

نسبت عدالت، کارآمدی و مشارکت مردم در اندیشه اقتصادی رهبر شهید

اقتصاد علیه انحصار عدالت از مسیر مردم

صفحه ۴

دوشنبه ۸ تیر ۱۴۰۵ | ۱۴ محرم ۱۴۴۸ | ۱۹ ژوئن ۲۰۲۴ | سال هجدهم | شماره ۴۶۴ | صفحه ۲۰ هزار تومان

تیتتر های امر وز



«وطن امروز» گزارش می‌دهد: چرا پروژه آمریکا برای اخلاخ در مدیریت ایران بر تنگه هرمز محکوم به شکست است

آب در تنگه کوبیدن

تلاش آمریکا برای سلب ابتکار عمل از ایران در تنگه هرمز با پاسخ قاطع سپاه مواجه شد

نابودی ۸ هدف در ۲ پایگاه

صفحات یک و ۲

۲ انفجار پیاپی در فلسطین اشغالی ادعای امنیت نتایجاوه پس از جنگ راز بر سؤال برد

صهیونیست‌ها در گرداب ناامنی

صفحه ۳

بالا گرفتن انتقادات در لبنان

پس از امضای توافق بیروت - تل ابوب

فتنه نواف

صفحه ۳

تفاهمی به قیمت رژیم



نگاه

مهدی هستنی

رژیم آمریکا با رژیم موقت صهیونی، اکنون رفتاری درد شبیه رفتاری که با متحد نزدیک خود در پایان جنگ جهانی داشت؛ یعنی بریتانیا. به باور اندیشکده «شورای روابط خارجی آمریکا» می‌شدیم. اختلافات میان آمریکا و بریتانیا بیشتر عیان می‌شد و امروز نیز با دستیابی به یک تفاهم، به‌روشنی می‌توان دید نوعی از تغییر لحن نسبت به اسرائیل شکل گرفته است. به باور این شورا، اسرائیل به دلیل آنکه مساله لبنان در آنش پس گنجانده شده، عمیقاً این تفاهم را برخلاف منافع خود می‌داند و غاصبان صهیونیست هم در آستانه انتخالیات،بمبندت احساسی می‌کننداین تفاهمنیمه عمیقاً موجب شکست آنان را فراهم کرده است. به باور این اندیشکده، مهم‌ترین نکته آن است که در متن این تفاهم، اسرائیل عملاً به حاشیه رانده شده. «یادداشت تفاهم میان ایالات متحده و ایران، اسرائیل را در حاشیه رها کرده است. اسرائیل به عنوان متحد نزدیک آمریکا که در لبنان با گروه یک پیروزی بزرگ برای ایران و امتیازی غیر قابل نقشی در مذاکرات این یادداشت تفاهم نداشته و این مساله در متن توافق کاملاً مشهود است. به عنوان نمونه، در همان بند نخست یادداشت تفاهم، ۳ بار نام لبنان ذکر شده و «پایان فوری و دائم عملیات نظامی در تمام جبهه‌ها، از جمله در لبنان» اعلام شده، بدون اینکه هیچ نامی از اسرائیل برده شود. افزون بر این، سازو کار جدیدی برای «نتیج‌زایی» در لبنان اعلام شده که شامل ایالات متحده، ایران، پاکستان و قطر می‌شود؛ سازو کاری که بار دیگر اسرائیل از آن حذف شده و نادیده گرفته شده است». به باور اعضای شورای روابط خارجی آمریکا، رژیم صهیونیستی از اینکه جمهوری اسلامی ایران توانسته مسائل لبنان را به امنیت ملی خود گره بزند که این رسماً پیروزی‌ای بزرگ برای ایران است، نالان است: «اسرائیل پیوند زدن امور داخلی و حاکمیت ملی لبنان به ایران را یک پیروزی بزرگ برای ایران و امتیازی غیر قابل درک از سوی ایالات متحده می‌داند. در واقع، اسرائیلی‌ها دیدگاه بسیار منفی و تلخی نسبت به کل این یادداشت تفاهم دارند. این رویکرد بازتاب‌دهنده چند نارضایتی و دغدغه بنیادین است: مساله لبنان (جایی که اسرائیل پیش‌بینی می‌کند تلاش‌های آمریکا مانع حملاتش به حزب‌الله خواهد شد)، لغو تمام تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران که گشایش مالی فوری و مهمی را برای تهران به ارمغان می‌آورد، عدم اشاره به برنامه موشکی ایران یا حمایت از گروه‌هایی مانند حزب‌الله در متن یادداشت تفاهم و نحوه موکول کردن بحث‌های جدی درباره برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران به مذاکرات بعد».

ادامه در صفحه ۴

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

۱۹۱ سال و ۳۰۱ روز گذشت |

روایت تلخ یک شب فراموش نشدنی

برای فوتبال ایران

سرت را بالا بگیر

صفحه ۴

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4646 | MON.JUN.29, 2026 | ISSN:2008-2886

رهبر انقلاب در پیامی به مناسبت هفته قوه قضائیه با اشاره به ضرورت احقاق حقوق ملت تأکید کردند

پیگیری حقوقی جنایات جنگ

صفحه ۲

چرا گفتار صلح در جهان جنگ دیگر خریدار ندارد؟

در مسلخ صلح

بین‌الملل است و به همین خاطر بسیار ساده‌لوحانه به نظر می‌رسد. قدرت‌های هژمون، درست در همان زمانی که از صلح سخن می‌گویند، بودجه‌های نظامی خود را افزایش می‌دهند، شرکت‌های تسلیحاتی را تغذیه می‌کنند، نسل جدید سلاح‌ها را می‌سازند، برای جنگ‌های آینده برنامه‌ریزی می‌کنند و روی جزئی‌ترین اجزای تسلیحات خود مطالعات علمی دقیق انجام می‌دهند؛ مطالعاتی برای اینکه چطور می‌زان خطای تسلیحات را به حداقل برسانند تا انسان و اجزای زندگی‌اش دقیق‌تر مورد هدف قرار گیرد! پس گفتار جنگ هنوز معتبر است، چون هنوز در محاسبات قدرت، سود، امنیت و سلطه کار کرد دارد.

■ **برای «سرمایه‌داری فاجعه» صلح یعنی ورشکستگی**
اقتصاد سیاسی تسلیحات، یکی از مهم‌ترین دلایل ماندگاری جنگ است. پشت جنگ، شبکه‌ای از صنایع، شرکت‌ها، آزمایشگاه‌ها، قراردادهای دفاعی، لابی‌های سیاسی، رسانه‌ها و اتاق‌های فکر قرار دارد. دوایت ایزنهاور زمانی نگران بود پیوند تنگ «تسکیلات نظامی عظیم» و «صنعت تسلیحاتی بزرگ» که در تاریخ آمریکا، از پاسخ به نیازهای دفاعی گذر کرده و به ساختاری تبدیل شود که کل سیاست و جامعه را در سیطره خود گرفتار کند! آنچه‌او «جامع‌نظمی - صنعتی» نامیده بود، امروز به یک معضل جهانی تبدیل شده است. این منظومه برای بقا نیازمند تهدید است. تهدید، بودجه می‌سازد و بودجه، قرارداد، قرارداد، تسلیحاتی می‌سازد و در پس تکنولوژی، دکترین نظامی تازه‌ای شکل می‌گیرد. اینگونه است که میدان‌های جدید جنگ در منطق درونی اقتصاد امنیتی جهان تعریف می‌شوند. برای درک ریشه‌های مداوم اعتبار جنگ، باید

آب در تنگه کوبیدن

رهگیری همه تردها در خلیج فارس و دریای عمان است. از سوی دیگر، هدف قرار دادن زیرساخت‌های نظامی ایران، در راستای تضعیف توان دفاعی ایران در برابر هر گونه اقدام تجاوز کارانه احتمالی انجام شده است. این حملات آمریکا دقیقاً در راستای همان نقشه‌ها و پروژه‌های نظامی‌ای است که در زمان جنگ، در جنوب ایران در حال پیگیری بود. اگر فرضیه خرید تسلیحات نظامی آمریکا به خاک ایران و هدف قرار دادن مدیریت ایران بر تنگه هرمز و مهم‌تر از آن، تجاوز نظامی به خاک ایران و هدف قرار دادن تاسیسات نظامی ایران، موضوعی است که به نظر می‌رسد باید منجر به تجدینظر ایران نسبت به کل تفاهمنامه شود. این تجاوز آمریکا به خاک ایران و هدف قرار دادن تجهیزات مخابراتی و همین‌طور مراکز نظامی، نشان می‌دهد بر خلاف ادعای ترامپ و همین‌طور بر خلاف متن تفاهمنامه، نه‌تنها جنگ و تجاوز نظامی به ایران خاتمه نیافته است، بلکه رژیم آمریکا به پهنه‌های واهی، در حال پیگیری اهداف نظامی خود در جنوب ایران است. هدف قرار دادن دکل‌ها و آنتن‌های مخابراتی و ارتباطی، آشکارا برای اختلال بر تسلط و احاطه ایران بر تردد در تنگه هرمز و از آن مهم‌تر اختلال در رصد و

به زیربناهای اقتصاد تگریست، در نظام سرمایه‌داری متأخر، صنعت دفاعی قلب تپنده انباشت سرمایه است. سیمور مل‌من، نظریه‌پرداز اقتصاد نظامی و منتقد سرخست مجتمع‌های نظامی -صنعتی آمریکا بر این باور بود وقتی اقتصاد یک قدرت بزرگ به سمت نظامی‌گری گرایش می‌یابد، دیپلماسی تبدیل به یک ابزار جانبی برای بازاریابی تسلیحات می‌شود. پس طبیعی است جنگ هم به یک ضرورت ساختاری تبدیل شود، نه صرفاً عارضه‌ای که ناگزیر رخ می‌دهد. شرکت‌های عظیم تسلیحاتی، نظیر لاکهید مارتین یا ریتون، برای حفظ نرخ سود و مداوم بودجه‌های تحقیق و توسعه، به دشمنان دائم یا تنش مستمر نیاز دارند. بنابراین صلح پایدار برای این ساختار، به معنای ورشکستگی استراتژیک است. جهان امروز شاهد نوعی «سرمایه‌داری فاجعه» است و بحران‌ها و جنگ‌ها بستری برای تست میدانی تسلیحات نسل جدید هستند. صلحی که آمریکا با رژیم صهیونیستی از آن سخن می‌گویند، از سنخ صلح امرانه است؛ صلحی که در آن، طرف مقابل از حق داشتن ابزارهای دفاعی محروم باشد تا بازار تسلیحات آنها بی‌رقیب بماند.

■ **صلح بدون اسلحه، دعوت به تجاوز است**

این انگاره که «دوران جنگ‌های بزرگ تمام شده» ریشه در این باور ساده‌لوحانه دارد که تکنولوژی باید زندگی بشر را راحت‌تر کند اما در دستان هژمونی غرب، تکنولوژی به ابزاری برای تثبیت نابرابری قدرت بدل شده است. جنگ‌های اخیر، بوژه در میدان غرب آسیا نشان داد تکنولوژی نظامی برتر، لزوماً ضامن پیروزی نیست. جمهوری اسلامی ایران، نخستین کشگری بود که در جهان پس از جنگ سرد، فهمید صلح‌طلبی در

حملات به مواضع حزب‌الله است و این موضع رژیم صهیونیستی مورد تایید آمریکاست. بنابراین تداوم حضور نظامی رژیم در جنوب لبنان و آماده‌باش آن برای از سرگیری جنگ، وقتی در کنار حملات نظامی آمریکا به مراکز مهم ارتباطی و نظامی جنوب ایران قرار گیرد، فرضیه برنامه‌ریزی آمریکا و رژیم اشغالگر برای از سرگیری جنگ علیه ایران و جبهه مقاومت کاملاً جدی می‌شود.

■ **واکنش ایران چگونه باید باشد؟**

رئیس جمهور آمریکا تصور می‌کنند امتیازات مهمی که در تفاهمنامه خاتمه جنگ به ایران داده باعث می‌شود ایران موارد نقض تفاهمنامه؛ چه در لبنان و چه در تنگه هرمز را هضم کند. لغو محاصره دریایی ایران، تعلیق تحریم فروش نفت و محصولات پتروشیمی و دست‌رسی به دارایی‌های مسدودشده، امتیازات مهمی است که ترامپ برای بازگشایی تنگه هرمز به ایران داد. از سوی دیگر، وی تصور می‌کند اگرچه تعهد خود مبنی بر عقب‌نشینی رژیم از جنوب لبنان را محقق نکرده اما دست‌کم می‌تواند مدعی باشد جنگ در لبنان متوقف شده است. ضمن اینکه تیم مذاکره‌کننده آمریکا در ژنو، در برابر مطالبه تیم ایران



صفحه ۴

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4646 | MON.JUN.29, 2026 | ISSN:2008-2886

برابر گرگ‌های جهان خودکشی استراتژیک است، نه چنان که تبلیغ می‌کنند، فضیلت و اخلاق مداری! در منطق جمهوری اسلامی، قدرت دفاعی، سپر تمدن است. اگر ایران امروز در برابر سلطه‌جویی آمریکا ایستادگی می‌کند، به این دلیل است که «صلح» تنها زمانی معتبر است که طرف مقابل، هزینه گزاف جنگ را درک کند. جنگ امروز، جنگ اراده‌هاست که در قالب رقابت میان تکنولوژی بومی و تکنولوژی وارداتی تبلور یافته است. ایران با بومی‌سازی صنعت موشکی و پهپادی، در واقع بازار انحصاری تسلیحات را در منطقه بر هم زد و به «اقتصاد سیاسی ترس» که غرب بر منطقه تحمیل کرده بود، پایان داد، با این رویکرد که صلح عادلانه بدون قدرت دفاعی پایدار نمی‌ماند. صلحی که از ملت‌ها بخواهد سلاح خود را زمین بگذرانند اما درباره زرادخانه‌های قدرت‌های بزرگ، پایگاه‌های نظامی، پیمان‌های امنیتی و صنایع تسلیحاتی سکوت کند، در حقیقت نظم سلطه است. هر صلحی به قدرت نیاز دارد؛ انگاره صلح مطلق بدون پشتوانه قدرت، یک فریب تاریخی است که قدرت‌های سلطه‌گر برای خلع سلاح رقیب از آن بهره می‌برند. جنگ، همچنان معتبر است، زیرا جهان هنوز از بی‌عدالتی و طمع مجتمع‌های صنعتی - نظامی رنج می‌برد. جمهوری اسلامی با ایستادگی خود، این سازه را در هم شکست. برای جلوگیری از جنگ بزرگ‌تر، باید قوی بود. این درس انقلاب اسلامی به جهان است: برای داشتن صلح، باید چنان قدرتمند بود که هیچ دشمنی جرأت بر هم زدن آرامشت را نداشته باشد و این تنها راه نجات بشریت از چنگال دلالان اسلحه و جنگ‌افروزان دنیاست.

برای عقب‌نشینی ارتش صهیونیستی از جنوب لبنان مدعی شد این عقب‌نشینی باید طی یک فرآیند انجام شود. از سوی دیگر، دولت آمریکا درباره حمله به جنوب ایران که نقض فاحش تفاهمنامه است، مدعی است این حملات در واکنش به حمله به کشتی‌هایی انجام شده که در تنگه هرمز از مسیر عمان در حال تردد بوده‌اند و حمله به این کشتی‌ها، نقض تفاهمنامه است. البته این ادعایی گزاف و خلاف واقع است و همان‌گونه که گفته شد، دولت عمان به‌شدت تحت فشار ترامپ قرار دارد، اگر نه سلطنت عمان و جمهوری اسلامی ایران دربراه وضعیت تردد از تنگه هرمز به توافقات مهمی دست یافته‌اند که آمریکا مانع اجرایی شدن این توافقات شده است. به هر حال اکنون ترامپ با وجود نقض برخی بدهدای تفاهمنامه خاتمه جنگ و انجام اقداماتی که فرضیه تلاش کاخ سفید برای از سرگیری جنگ را تقویت می‌کند، بر این باور است به واسطه امتیازات مهمی که در تفاهمنامه به ایران داده، ایران فعلاً در مقابل این موارد نقض تفاهمنامه خویشتن‌داری می‌کند و ترجیح می‌دهد در مقطع فعلی از امتیازات این تفاهمنامه بهره‌مند شود.

ادامه در صفحه ۲